

بد نیست که گاهی در کنار خندیدن به یک سری موضوعات دیگر هم بتوانیم فکر کنیم چرا که جامعه پر از افراد و زندگی‌های متفاوت چه از نظر روانی چه از نظر مالی و اجتماعی است. جامعه ما جامعه‌ای است که تفاوت‌های عمده‌ای میان انسان‌های آن وجود دارد و از پایین شهر تا بالای شهر آن با هزاران زندگی و کاراکتر متفاوت مواجه خواهید شد. بنابراین بد نیست که گاهی در کنار خندیدن به انسان‌های اطرافمان و زندگی‌هایی که زیر پوست همین شهر جریان دارد فکر کنیم. در آخر دوست دارم که از جامعه هنری و عموم مردم دعوت کنم که بیایند و کارمان را ببینند و اگر نقدی هم باشد ما پذیرا هستیم به هر حال این اثر اولین فیلم بلند ما است و قطعاً ایراداتی دارد ولیکن همین ایرادات است که باعث تجربه در آثار بعدی می‌شود و از مخاطبان می‌خواهم که با نقدهای مثبت و سازنده خود به پیشرفت ما کمک کنند.

### روناک پور یادگار؛ بازیگر:

#### نقش پروانه بستر حسنی بسیار زیبایی داشت

جذابیت این نقش برای شما چه بود

سه سال پیش وقتی برای اولین بار این فیلمنامه را خواندم، کاراکتر پروانه به نظرم یک کاراکتر عمیق از نظر حسنی آمد. کاراکتری که می‌تواند برای یک بازیگر خیلی جای کار داشته و یک نقش چالشی باشد. این نقش بستر حسنی بسیار زیبایی داشت و آنچه که در لحظه خوانش این فیلمنامه که خود نیز بستر بسیار زیبایی دارد برایم خیلی جذاب بود خود نقش پروانه و چالش‌هایی بود که در روند قصه دارد.

#### در نقش پردازی کاراکتر پروانه بیشتر به چه مولفه‌هایی دقت کردید؟

به غیر از فیلمنامه که مطالعه کرده بودم، چیزی که خانم شکاری نویسنده کار در اولین نشست‌های تحلیل نقش از من خواسته بودند بیشتر این بود که از نظر حسنی معصومیت و تنهایی پروانه را چه در زندگی کنار همسرش و چه در زندگی او در تهران نشان بدهم چرا که کاراکتر اصالتاً تهرانی نبود و پس از ازدواجش به تهران آمده بود. یعنی آن تنهایی و غربتی که کاراکتر دارد و آن سادگی و مطیع بودنش مورد تأکیدمان بود و از لحاظ بیانی هم من سعی کردم به کاراکتر کمی لهجه بدهم و کلماتی را برای او در نظر گرفتم تا مشخص شود که این زن تهرانی نیست.

#### با توجه به ویژگی‌های کاراکتر فکر می‌کنم که از خود شما به شدت دور بوده آیا همین مسئله چالش مضاعفی ایجاد می‌کرد؟

بله این کاراکتر واقعا با شخصیت خود من خیلی متضاد بود. اما هر انسانی چه زن باشد چه مرد و در هر بستری که بزرگ شود، خصلت‌هایی در ناخودآگاهش شکل می‌گیرد و اینکه در چه خانواده‌ای بزرگ شده یا مثلا چه پدری داشته تأثیرگذار است. در مطالعات روانشناسی که داشتم این نکته را دیدم که هر انسانی عزت نفسش را از مادرش و اعتماد به نفسش را از پدرش می‌گیرد. یک زن وقتی در خانه‌ای بزرگ شده که احتمالا مردسالاری بوده همان فرهنگ را با خود به خانه همسرش می‌برد و طبیعتاً آن زن مثل من نوعی نیست که حال در بستر و در خانواده‌های بزرگ شده‌ام که همواره به من آموخته‌اند که حقم را بگیرم، شجاعت زنی و اقتدار داشته و خودم باشم چه در جامعه و چه روزی که در یک زندگی مشترک باشیم. این کاراکتر این فرهنگ را از خانه پدر داشته، آنجا هم حرف، حرف مرد بوده و در ذهنیت پروانه اگر این مرد یعنی مراد خیلی هم عاطفی نیست اشکالی ندارد چون در نهایت پدر بچه اوست و پروانه در عین تمام این چالش‌ها و اینکه مراد یک مرد عاطفی یا حامی نیست او را خیلی هم دوست دارد. زمانی که من این نقش را بازی می‌کردم این کاراکتر آنقدر از من دور بود برایم چالش برانگیز بود یکی از دلایلی که با وجود چالش و سختی‌های همکاری با کارگردان کار اولی این کار را پذیرفتم تفاوت زیادی بود که کاراکتر پروانه با خودم داشت. من وقتی نقش را می‌خواندم با خودم گفتم که حتماً اگر اعضای خانواده‌ام مرا در این نقش ببینند خیلی تعجب خواهند کرد و دقیقاً همین اتفاق افتاد و روز افتتاحیه فیلم که خواهم از این همه تفاوت نقشی که بازی می‌کردم با خود واقعیتم متعجب شده بود.

#### سخن پایانی

برایم بسیار خوشحال کننده است که این کار پس از ۳ سال دیده می‌شود. همه ما به خصوص گروه بازیگران زحمات زیادی برای این کار کشیدیم و تمام توان خودمان را گذاشتیم که کار خوبی از آب در بیاید. امیدوارم که اگران خوبی داشته باشد و برای همه عوامل ثمر خوبی بدهد.

#### سخن پایانی

این فیلم متعلق به سینمای مستقل است و نیاز به حمایت دارد. کار ما یک کار اجتماعی است و می‌توانم بگویم که یک کار شیرین بلکه تلخ است. من شخصاً به شدت طرفدار خندیدن هستم اما به هر حال قلم من این بار به سمت یک درام اجتماعی خانوادگی رفت و فکر می‌کنم



# سرکشی

می‌افتد از سر لجباجت‌های کاراکتر مراد است و اگر بخواهم عامیانه بگویم «زندگی رو سگی نکن» عبارتی بود که در مورد رفتار این کاراکتر صدق می‌کرد. البته خود من بسیار حیوان دوست هستم و این نامگذاری بیشتر به آن داستان فیلم و آن حس و خوی درندگی و خشونت‌پریمی برمی‌گردد که گاه کاراکتر مراد از خود نشان می‌دهد.

#### کاراکتر پروانه در این فیلم بسیار مطیع است و از قدرت زنانه خود برای رسیدن به خواسته‌اش استفاده نمی‌کند آیا این کاراکتر بیشتر بر اساس یک نمونه عینی شکل داده شد یا بر اساس تجربیاتی که از مشاهدات اطرافتان داشتید؟

درست است که روح زنانه ممکن است در بسیاری از جاها مطیع و آرام باشد ولی به هر حال آن سرکشی‌های خودش را نیز دارد و این در تمام جوامع این گونه است و فقط مختص زنان کشور ما نیست. یعنی در کنار آن لطافت زنانه یک لجباجت نیز وجود دارد. فکر می‌کنم اصولاً خانم‌ها کاری که می‌خواهند و حرکتی که فکر می‌کنند درست است را باید انجام بدهند. من در اثر مشاهده زانی که در اطرافم می‌دیدم، همینطور خودم که در بسیاری از مواقع ممکن است آرام و ساکت باشم و در جای دیگری نیاز حس کنم که باید کاری که فکر می‌کنم درست است را انجام بدهم و فکر می‌کنم که بیشتر ما خانم‌ها نیز همین گونه هستیم. برای طراحی کاراکتر پروانه از همین مولفه‌ها استفاده کردم. پروانه علاوه بر تمام محدودیت‌هایی که در یک جامعه کوچک و خانواده‌اش داشته به خاطر فرزندش سرکشی می‌کند و می‌خواهد از آن محدودیت‌ها خارج شود و این مسئله برای من جالب بود و دوست داشتم که پروانه صرفاً به عنوان همسری که مدام در حال حرف شنوی است دیده نشود. البته من هرگز هدفم این نبوده که بخواهم لجباجت را ترویج بدهم بلکه بیشتر دلم می‌خواست که آن روح زنانه را نشان بدهم که خیلی وقت‌ها به خاطر فرزند یا خانواده تلاش می‌کنند تا از آن